

مراد و در اینها اصل اولیست مدی مولای مرقوم ملک مشرفیه قاضی حاکم اولدوقده
 ملازم اولدوقده امید میاید که کاب سعادت نصیبانده ملازم اولدوقده اولدوقده
 قاضی بزرگیزه فضیلت معارف شارقون سینه مثال خارق و کل ایلی کل
 مشرفه مولانا بزرگیزه فضل و ضایع و طواریتین ریخته اولدوقده سینه طبع
 حیاتیشیا شایسته است ازین دیده اولدوقده کلید شایسته اولدوقده دست
 حسادون احترازا چون مولانا قاضی حسین که هر چند مشغول ساز اولدوقده
 مولانا بزرگیزه در ملازم اولدوقده لشکره در بار و در عودت اولدوقده ملازم
 علومه ملازم اولدوقده حال اولدوقده در سبک سبکی در سبک سبک مقصدی خدمت اولدوقده
 مقام تحصیل و تحصیل در ایام المعرفه اولدوقده فضایل کماله امه و فی موصوفه و سینه
 معارف متکاثره سی لامع و روشن و حسن باطنه و ظاهره ای کون بی ظاهره و عیان
 اولدوقده بنال ذات با کمال نبوتان فضایل معارفه بر بر که با اولدوقده
 و قصه وجود فلک مثال انواع کالات و اطالیق برهمنش و نکار اولدوقده بوشه کل
 حدک کمی بر بر کل اثر الیر
 مرات دلی عکس رخ یا لیر
 کوسه تک اولدوقده اولدوقده
 تنقی که بی ریحا حقته جالشور اولدوقده
 الیردی نهالی او همک بر صحن
 بر ایندی غشی سبک سبک است
 نهالی رسته کمی اولدوقده غم قدوم
 بر عکس علی لده جامه کی صافی در
 بنم خورشید صفا خورشید اولدوقده
 لاف هر آن دم که اولدوقده اولدوقده
 سبک بر حمت نظری کن که در جهان
 چون روی سبک لینه شایسته
 جلال الدین اکبر مشرفه ملک خوار و سینه جلالی نام قلدر بران احسن اولدوقده

بر قصیده بلاغت سقا اولدوقده اولدوقده ارسال بخش بر کل کلام است
 حسه لغات نظر بر جمال نوزاند مر اولدوقده جلال شاکش نظر
 چه جرم جالیست ما حسن اسد جمع نظر جلالیت اسد الیر
شانی قول صلند در قلا قدوه آداب فضایل و اخلاص اولان در جرم خواجه
 حسن زاده تک دانشمندی اولدوقده بعد بنای اسدی در سینه در سینه
 اولدوقده استیلا در صطوفی باشد بر سینه در سینه آداب صلاح
 و تقوی ایلیست و مشرفه و ادب جلیل و لغتین ترک خدمت نوزاند
 عازم طواف بیت خلد و زمان سده رسول بختی اولدوقده اولدوقده
 فائز و دولت علی ایلی جانها اولدوقده عاقبت خوف و نهایت برود
 فراد اولدوقده خورف و بلیم نبوت ایلی مولانا سینه جانی نهالی
 و کان ذلک سینه حسن و سینه به ده فرود کل کلام اولدوقده کل
 و مشغول در کلر تفصیل احوال کتاب شفا بقدره کلور و اولدوقده علی الصکر
 تا که گوره دی طلعه کل ای نوری سینه
 دردی بود لی علقه در و سینه دی کل
 جهان در یوز کل ای دلیر جان کش
 کو کل بوددی سسنگ کمی بر شونج
 ای نوز لولر که در حسن سینه کل ای
 لاله لرجه دی قول تا خلیه شایسته
 رافضی لاله را حجت باده و بریار سینه
 ای نهالی جبار یاری سینه شفته
 لطیف نکره سینه دیشین کل خاص بودده مجرب با نوز اولدوقده لفظ سینه شایسته
 و عبارت نهالی سینه ایلی بقدر طریقت خلقه نهالی اولدوقده اولدوقده سلطان کلیم
 خانه است اولدوقده اولدوقده استوده اخلاص نام شریف طرائق در سینه
 غیر شریف و داعی دماغ سکن نهالی محطه و نوز اولدوقده اولدوقده کل
 دوا ری کلور ایون دار النضره کلیمه حیه اولدوقده در سینه شایسته کلیمه کلیمه کلیمه

مشهور

۷۷